



دعوی تقسیم ترکه در رویه دادگاهها

گروه پژوهشی
انتشارات چراغ دانش



فهرست کلی

۹	معرفی دعوای تقسیم ترکه
۶۹	تقسیم ترکه در آرای دیوان عالی کشور
۱۰۷	تقسیم ترکه در آرای دادگاهها
۱۳۵	تقسیم ترکه در نشستهای قضائی
۱۹۹	تقسیم ترکه در نظریات مشورتی
۲۲۵	تقسیم ترکه در قوانین و مقررات

فهرست جزئی

۹	معرفی دعوای تقسیم ترکه
۱۱	مبحث اول: ارث و تشریفات آن
۱۱	گفتار اول: موجبات و طبقات ارث
۱۱	گفتار دوم: تحقق ارث و شرایط آن
۱۳	گفتار سوم: تاریخ فوت و آثار آن
۱۵	گفتار چهارم: ترکیب ارث و میراث
۲۱	مبحث دوم: در امور راجع به ترکه (مهرو موم، تحریر، اداره ترکه)
۲۱	گفتار اول: مهر و موم ترکه
۲۶	گفتار دوم: رفع مهر و موم ترکه
۲۹	گفتار سوم: تحریر ترکه
۳۵	مبحث سوم: در قبول و رد ترکه
۳۵	گفتار اول: قبول ترکه
۳۸	گفتار دوم: در رد ترکه
۴۲	مبحث چهارم: در تصفیه و تقسیم ترکه
۴۲	گفتار اول: تصفیه ترکه
۴۷	گفتار دوم: تقسیم ترکه
۵۲	مبحث پنجم: صلاحیت محاکم در رسیدگی به دعوای تقسیم ترکه
۵۲	گفتار اول: صلاحیت ذاتی محاکم

۵۳	گفتار دوم: صلاحیت محلی محاکم
۵۵	مبحث ششم: تشریفات رسیدگی به دعوای تقسیم ترکه
۵۵	گفتار اول: مالی یا غیرمالی بودن و طریقه تقدیم آن‌ها
۵۵	گفتار دوم: خواهان و خواننده دعوای
۵۷	گفتار سوم: مدارک لازم برای طرح درخواست یا دعوای
۵۸	دادخواست مهر و موم ترکه به انضمام کلیه خسارات قانونی
۵۹	دادخواست مهر و موم ترکه تحریر آن به انضمام کلیه خسارات قانونی
۶۰	دادخواست رفع مهر و موم ترکه به انضمام کلیه خسارات قانونی
۶۱	دادخواست توقیف اموال و تأمین خواسته مبنی بر انجام تعهد
۶۲	دادخواست تقسیم ترکه به انضمام کلیه خسارات قانونی
۶۳	میزان سهم الارث طبقه اول
۶۵	میزان سهم الارث طبقه سوم
۶۶	جدول مالیات بر ارث (جدید)
۶۷	جدول مالیات بر ارث (قدیم)
۶۹	تقسیم ترکه در آرای دیوان عالی کشور
۷۱	مبحث اول: آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور
۷۱	۱. تقسیم املاک محجورین و غایب مفقودالثر
۷۳	۲. ادعای مالکیت اموال متوفی هنگام تقسیم ترکه
۸۲	۳. تقسیم ترکه در صورت عدم تراضی ورثه
۸۶	۴. «صلاحیت دادگاه‌ها در مورد تعیین سهم الارث وارث محجور و مفقودالثر»
۹۰	مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور
۹۰	۱. رسیدگی به تقاضای افراز املاک مشاع موضوع ارث، در صلاحیت دادگاه حقوقی است.
۹۲	۲. دادگاه صلاحیت‌دار در رسیدگی به دعوای تقسیم ترکه
۹۵	۳. مرجع رسیدگی به درخواست تقسیم ترکه
۹۷	۴. مرجع رسیدگی به دعوای ابطال سند رسمی اصلاحات ارضی
۹۸	۵. تقاضای افراز سهم الارث
۱۰۰	۶. قرار عدم صلاحیت طبق ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری
۱۰۵	۷. مرجع صالح به رسیدگی به دعوای تقسیم ترکه در صورت عدم تراضی
۱۰۷	تقسیم ترکه در آرای دادگاه‌ها

- مبحث اول: تقسیم ترکه در آرای دادگاههای بدوی و تجدیدنظر ۱۰۹
۱. تقسیم ترکه پیش از پرداخت دیون ۱۰۹
 ۲. قطعیت گزارش اصلاحی ۱۱۱
 ۳. خواسته خواهانها در قسمت استرداد و وضع ید آنها بر ماترک با مطالبه اجور نسبت به همان املاک برخلاف نظر دادگاه دارای مبنا و منشأ واحد می باشد ۱۱۴
 ۴. حکم یا دستور فروش اموال مشاع موروثی غیر قابل تقسیم به عنوان تقسیم ترکه ۱۱۹
 ۵. نحوه طرح دعوی تقسیم ترکه در صورت وجود وارث صغیر ۱۲۲
 ۶. خواندگان در دعوی تقسیم ترکه ۱۲۴
 ۷. نحوه طرح دعوی تقسیم ترکه مشتمل بر سرقفلی مشاع ۱۲۶
- مبحث دوم: تقسیم ترکه در آرای دادگاه عالی انتظامی قضات ۱۲۹
۱. تقسیم ترکه متوفای صاحب صغیر ۱۲۹
 ۲. رأی شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات ۱۳۰
 ۳. رأی شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات ۱۳۲
- تقسیم ترکه در نشستهای قضائی ۱۳۵**
۱. مسائلی در رابطه با رسیدگی به دعوی تقسیم ترکه ۱۳۷
 ۲. قابلیت استماع دعوی که اموال بیشتر از گواهی حصر وراثت تقویم شود ۱۶۱
 ۳. اثبات ادعای وراثت افراد دیگر و تقاضای ابطال تقسیم ۱۶۲
 ۴. امکان تلقی استشهدادیه محلی به جای گواهی حصر وراثت ۱۶۴
 ۵. اعتراض به گزارش اصلاحی مبنی بر تقسیم ترکه ۱۶۵
 ۶. تقسیم و تحریر ترکه ۱۶۸
 ۷. صدور گزارش اصلاحی در تقسیم ترکه ۱۷۰
 ۸. مرجع صالح به رسیدگی به تقسیم ترکه ۱۷۱
 ۹. کیفیت رسیدگی در تقسیم ترکه ای که نسبت به جزئی از آن بین وراثت در مالکیت اختلاف حادث شود ۱۷۳
 ۱۰. تعیین خواننده در دادخواست تقسیم ترکه ۱۷۵
 ۱۱. دعوی تقسیم ترکه نسبت به بیش از میزان ترکه ۱۷۷
 ۱۲. انتقال قسمتی از اموال مورد وصیت به شخص ثالث ۱۷۸
 ۱۳. تقسیم ماترک یک خانواده در صورت عدم تعیین تقدم و تأخر زمان فوت ۱۸۰
 ۱۴. وجوه اختلاف بین ورثه در خصوص تصرفات ترکه و استیفای حقوق خود ۱۸۳
 ۱۵. اثر حقوقی عدم قید نام احد از ورثه در گواهی انحصار وراثت ۱۸۶

۱۸۷	۱۶. تقسیم اموال غیرمنقول ماترک که جریان ثبتی آن خاتمه نیافته
۱۸۹	۱۷. رسیدگی به دعاوی مربوط به ماترک غیرمنقول
۱۹۱	۱۸. ادعای مالکیت نسبت به ماترک در جریان تقسیم ترکه
۱۹۳	۱۹. تکلیف دادرسی در خصوص وصیت‌نامه ابرازی در دعاوی تقسیم ترکه
۱۹۵	۲۰. حکم تقسیم ترکه و تعیین سهم هریک از وراث
۱۹۷	۲۱. جنبه اعلامی تقسیم ترکه
۱۹۹	تقسیم ترکه در نظریات مشورتی
۲۰۱	۱. هزینه دادرسی تقسیم ترکه
۲۰۱	۲. دعوی تقسیم ترکه غیرمالی است
۲۰۱	۳. تعیین نسبت سهم‌الارث در گواهی
۲۰۲	۴. دادگاه صالح در تقسیم ترکه
۲۰۳	۵. تعیین امین بر غایب جهت تقسیم ترکه
۲۰۳	۶. دادخواست تقسیم ترکه
۲۰۴	۷. رسیدگی به دعاوی متقابل
۲۰۵	۸. تقدیم دادخواست جداگانه در دعاوی تقسیم ترکه
۲۰۶	۹. عدم قابلیت تقسیم ملک موقوفه بین وراث
۲۰۷	۱۰. تقسیم ترکه در صورت تعدد زوجات
۲۰۷	۱۱. تقسیم ترکه و ادعای مدیون بودن مورث
۲۰۸	۱۲. سهم‌الارث و تقسیم ترکه
۲۰۹	۱۳. تقسیم ترکه و ادعای مالکیت
۲۰۹	۱۴. هزینه دادرسی در تقسیم ترکه
۲۱۰	۱۵. دادگاه صالح در رسیدگی به دعاوی افراز املاک مشاع
۲۱۱	۱۶. دادگاه صالح به رسیدگی به تقسیم ترکه در فرض تغییر اقامتگاه
۲۱۱	۱۷. گواهی حصر وراثت
۲۱۲	۱۸. تقسیم ترکه و ادعای مالکیت
۲۱۳	۱۹. دعوی تقسیم ترکه
۲۱۳	۲۰. تقسیم ترکه غیرمنقول
۲۱۴	۲۱. مسائلی در باب هزینه دادرسی در تقسیم ترکه
۲۱۷	۲۲. مطالبه سهم‌الارث
۲۱۸	۲۳. خواننده دعاوی تقسیم ترکه

۲۴	مرجع صالح به رسیدگی به دعوی ترکه منقول و غیرمنقول
۲۵	درخواست تقسیم ترکه
۲۶	درخواست تقسیم اموال غیرمنقول
۲۷	تقسیم ترکه اهل سنت
۲۸	تعیین نسبت سهم الارث در گواهی
۲۹	تقسیم ترکه بازداشت شده
۳۰	فروش اموال صغیر قبل از تقسیم ترکه
۲۲۵	تقسیم ترکه در قوانین و مقررات
۲۲۷	از قانون مدنی
۲۲۷	باب دوم - در ارث
۲۲۷	فصل اول - در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراثت
۲۲۷	فصل دوم - در تحقق ارث
۲۲۹	فصل سوم - در شرایط و جمله ای از موانع ارث
۲۳۱	فصل چهارم - در حجب
۲۳۳	فصل پنجم - در فرض و صاحبان فرض
۲۳۵	فصل ششم - در سهم الارث طبقات مختلفه وراثت
۲۳۵	مبحث اول - در سهم الارث طبقه اولی
۲۳۷	مبحث دوم - در سهم الارث طبقه دوم
۲۴۰	مبحث سوم - در سهم الارث وارث طبقه سوم
۲۴۳	مبحث چهارم - در میراث زوج و زوجه
۲۴۶	از قانون امور حسبی
۲۴۶	باب پنجم - در امور راجع به ترکه
۲۴۶	فصل اول - در صلاحیت
۲۴۷	فصل دوم - در مهر و موم
۲۵۴	فصل سوم - در برداشتن مهر و موم
۲۵۷	فصل چهارم - در تحریر ترکه
۲۶۱	فصل پنجم - راجع به دیون متوفی
۲۶۱	مبحث اول - استیفاء دین از ترکه
۲۶۱	طبقه اول

۲۶۲	طبقه دوم
۲۶۲	طبقه سوم
۲۶۲	طبقه چهارم
۲۶۲	طبقه پنجم
۲۶۵	مبحث دوم - قبول ترکه
۲۶۶	مبحث سوم - رد ترکه
۲۶۷	مبحث چهارم - قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه
۲۶۸	مبحث پنجم - تصفیه
۲۷۵	فصل هشتم - در ترکه متوفای بلاوارث
۲۷۷	فصل نهم - راجع به ترکه اتباع خارجه
۲۸۳	از قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات ۱۳۹۴
۲۹۲	قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۱۳۹۴)

فصل اول

معرفی دعای تقسیم ترکه

مبحث اول: ارث و تشریفات آن

«ترکه»، دارایی به جا مانده از مورث است. این دارایی حاوی دو بخش مثبت و منفی است:

۱. بخش مثبت: اموال و حقوق و مطالباتی است که به وارثان می‌رسد.
۲. بخش منفی: دیون و تعهداتی است که در دارایی می‌ماند و باید از محل آن پرداخته شود با تصفیه‌ی ترکه شرکت قهری وارثان و طلبکاران و موصلی‌له برهم می‌خورد و مالکیت بر گروه وراثت استقرار می‌یابد.

گفتار اول: موجبات و طبقات ارث

موجب ارث دو امر است: نسب و سبب و اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه به شرح ذیل بوده و وارثین طبقه‌ی بعد وقتی ارث می‌برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد:

۱. پدر و مادر و اولاد و اولادِ اولاد؛
۲. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛
۳. اعمام و عمات و احوال و خالات و اولاد آنها.

گفتار دوم: تحقق ارث و شرایط آن

تا زمانی که شخص زنده و دارایی دارد همه‌ی حقوق مالی به او نسبت داده می‌شود ولی این انتساب و سلطه با مرگ مالک از بین می‌رود و ناچار دارایی به جا مانده باید به بازماندگان انتقال یابد. در این خصوص ماده

۸۶۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدا می‌کند.»

با استنباط از ماده فوق‌الذکر درمی‌یابیم که سبب تحقق ارث دو عامل گوناگون نیست بلکه یک عامل است در دو چهره که یکی حقیقی است و دیگری فرضی که در اثر اماره نسبت به مرگ غایب به وجود می‌آید و با حکم دادگاه اثر می‌یابد؛ لیکن سبب تحقق ارث به صورت فرضی ناشی از حکم دادگاه، تاب برابری با دلیل را نداشته و با کشف حقیقت از بین می‌رود. در این مورد ماده ۱۰۲۷ قانون مدنی چنین مقرر می‌دارد: «بعد از صدور حکم موت فرضی نیز اگر غایب پیدا شود کسانی که اموال او را به عنوان وراثت تصرف کرده‌اند باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می‌باشد مسترد دارند.» متعاقباً ماده ۱۶۱ قانون امور حسبی در تأیید حکم مندرج در ماده ۱۰۲۷ چنین تکلیف نموده است: «در هر موقع که موت حقیقی یا زنده بودن غایب معلوم شود اقداماتی که راجع به موت فرضی او به عمل آمده است بلااثر خواهد شد مگر اقداماتی که برای حفظ و اداره اموال غایب شده است.» با وجود این صدور حکم موت فرضی غایب تا زمانی که زندگی یا مرگ حقیقی معلوم نشده است تمام آثار مرگ حقیقی را دارد و سبب تحقق ارث و انتقال دارایی غایب به وارثان او می‌شود. چنان‌که ماده ۱۰۱۷ قانون مدنی پس از

اعلام تاریخ فوت حقیقی به وسیله‌ی دادگاه می‌گوید: «... در این صورت، اموال غایب بین وراثی که در تاریخ مزبور موجود بوده‌اند تقسیم می‌شود» و ماده ۱۰۱۸ قانونی مدنی می‌افزاید: «مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت می‌گردد که موت فرضی غایب صادر شود.»

گفتار سوم: تاریخ فوت و آثار آن

الف) احراز فوت: مرگ مورث آغاز تحقق ارث و سبب جدایی داریی از شخصیت او است. انتقال در صورتی تحقق خارجی می‌یابد که ترکه به ملکیت وارثان درآید؛ زیرا در این زمان است که جابه‌جایی صورت می‌پذیرد، منتها ترکه پس از پرداخت دیون و واجبات مالی در ملکیت وارثان استقرار می‌یابد. در این خصوص ماده ۸۶۷ تصریح دارد به اینکه: «مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفا مستقر نمی‌شود مگر پس از ادای حقوق و دیونی که به ترکه میّت تعلق گرفته.» بنابراین، اثبات تاریخ مرگ مورث از این جهت اهمیت دارد که در این لحظه است که باید دید چه کسانی قابلیت ارث بردن را دارند و وارث محسوب می‌شوند شرکت وارثان در ترکه نیز در همین لحظه است.

۱. **احراز فوت حقیقی:** احراز این لحظه به طور معمول با سند خلاصه‌ی مرگ و ثبت واقعه در اسناد سجلی و ابطال شناسنامه‌ی او انجام می‌شود؛

ولی در صورت لزوم با سایر دلایل و از جمله شهادت گواهان به ویژه پزشک نیز ممکن است.

۲. احراز فوت فرضی: در مورد غایب مفقودالاثر تاریخی است که در حکم موت فرضی اعلام می‌شود و تا خلاف آن با موت حقیقی یا حیات غایب اثبات نشده است اعتبار دارد تاریخ موت فرضی بر مبنای غلبه و ظاهر تعیین می‌شود و اوضاع و احوال و قرینه‌ها در آن مؤثر است. ماده ۱۰۱۹ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «حکم موت فرضی غایب در صورتی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.» اماره‌های قانونی از جمله تلف کشتی^۱ و سقوط هواپیما^۲ و مفقود شدن در جنگ و کهولت (گذشتن از ۷۵ سالگی بعد از ده سال غیبت) حکم عادت را تغییر می‌دهد و دادگاه را ناچار به رعایت آن می‌سازد.^۳

به یاد داشته باشیم مأمور ثبت احوال هیچ‌گاه احرازکننده‌ی مرگ نیست و نقش او مربوط به ثبت اعلام واقعه‌ی مرگ است و به همین جهت اثبات خلاف آنچه در اسناد سجلی درباره تاریخ فوت می‌آید نیاز به ادعای جعل ندارد اگر هم نقصی در ثبت سند سجلی وجود داشته باشد (مانند اینکه

۱. مواد ۱۰۲۰ و ۱۰۲۱ قانون مدنی.

۲. ماده ۱۰۲۲ ق.م.

۳. ماده ۱۰۱۷ قانون مدنی.

روز و ساعت مرگ معین نشود) می‌توان از سایر دلایل برای تکمیل آن استفاده کرد.

ب) احراز تاریخ فوت دسته جمعی: هرگاه اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند:

اگر تاریخ فوت همگی معلوم باشد: بر اساس تاریخ فوت، آن‌هایی که مؤخر فوت کرده‌اند از آن‌هایی که مقدم فوت نموده‌اند ارث می‌برند.

اگر تاریخ فوت همگی مجهول باشد: اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تأخر هیچ یک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه موت به سبب غرق یا هدم واقع شود که در این صورت از یکدیگر ارث می‌برند.

اگر تاریخ فوت بعضی معلوم و بعضی مجهول باشد: اگر اشخاصی که بین آنها توارث باشد بمیرند و تاریخ فوت یکی از آنها معلوم و دیگری از حیث تقدم و تأخر مجهول باشد فقط آنکه تاریخ فوتش مجهول است از آن دیگری ارث می‌برد.

گفتار چهارم: ترکیب ارث و میراث

مورث هرچه دارد به بازماندگان او می‌رسد تا بدین وسیله دارایی خانواده محفوظ بماند. پس باید پذیرفت که اصل، انتقال تمام اموال و حقوق مالی مورث است و ترکه شامل تمام اجزاء دارایی اعم از منقول و غیرمنقول، اعیان و منافع و حقوق و دیون و مطالبات است.

برای تعیین میزان ترکه باید همه‌ی اموالی که هنگام مرگ در ملکیت او بوده است به حساب آید هرچند که پس از آن تلف شود. مطالبات مورث را نیز باید بر آن مجموعه افزود هرچند که از وارثان باشد و در اثر مالکیت مافی‌الذمه و تهاتر از بین برود و همچنین تمام اموالی که بعد از مرگ به دارایی مورث می‌پیوندد و سبب آن به وسیله‌ی مورث فراهم آمده است جزء ترکه محسوب می‌شود و خلاف آن باید اثبات شود.^۱

در خصوص بعضی از اموال مقنن تعیین تکلیف ننموده، این موضوع باعث اختلاف نظر بین علمای حقوق شده، مبنی بر اینکه آیا این اموال جزء ماترک محسوب می‌شود یا خیر؟

اهم این اموال به شرح ذیل می‌باشند که به توضیح اختصاری هریک می‌پردازیم:

الف) دیه قتل مورث: درباره‌ی دیه قتل مورث اختلاف شده است که باید آن را در شمار اموال مقتول آورد یا مالی است که برای جبران ضرر وارثان به طور مستقیم به آنان داده می‌شود و در ترکه نمی‌آید؟ ابهام ناشی از ماهیت پیچیده مرکب دیه است که آیا کیفر جرم قتل است یا خسارت ناشی از آن یا هر دو چهره را دارد؟

اگر دیه، کیفر جرم قتل باشد چون سبب ایجاد حق در زمان حیات مقتول فراهم آمده است مالی که در نتیجه انتخاب آن به دست می‌آید جزئی از ترکه است.

۱. ناصر کاتوزیان، وصیت در حقوق مدنی ایران، ش ۳۰۴.